

Oct. 12. 1993

خانم لادن عزیزم صبح

خبر خوب بود دیدار و دیدار عزیزم بعد از سالها در  
اصولام و آنجا خوب بود و بوقت و وقت گذشت

خطه قند در تمام این روزها در این با بیلو فانتازیک

اصولام آراستگ . بعد از رفتن من در آنجا در آنجا بود

پیش میوم . اصولام در این روزها به خوبی گذشت نه تنها بلکه

بزرگ شد که آری و کار خوب بود در آنجا

تا به بعد . ضمن اینکه نقد هم در آنجا هست که؟ و همان

نکت ریفر دند و به آنقدر تازگی پیدا کند و کام

که و به وقت که است ، من که تبه شده اند

زندگی به کامت آری و شکر که در آنجا

ناراحت آری ، شکر که تبه در آنجا و از آنجا

هر کجا هستی در آنجا هر کجا که هستی و از آنجا

به کسم ختم ، صفا را به دلایم دهم و آن ...  
 به هم ریشتم و بگذردیم هر زندگی را بر ضایعات و عیب و بدنامی  
 به من و دانه که قفا نده هم " غزل خورشید " صفا را دادم  
 این به ای شب صفا که کیم که رستم را که به سر زودت عمید  
 ای و صفا قدر ما که .

درت دلم از حال ، به ای عزیز خیر است ای صفا ، صفا این صفا را دادم  
 ز شکر و عجب ، جز به دلم آوا مشداید خدایا  
 در آن روز که گفتار ما : خدیجه ای که در سو تو که آمد  
 نینور است بر آن روز که .  
 زین و دلش

Hi, Mehrdad.

I hope you had a good time in  
 San Diego . I wish we had some more  
 time together. Although I can not complain  
 after such a long time . We watch  
 your video tape like you are here. write me  
love Narkis